



اطلاعیه شماره یک ۳۰، خرداد ۱۳۸۸

گاهنامه سیاسی تبلیغاتی کارگران کمونیست

«بسوی انقلاب» را بخوانید و در میان مردم پخش کنید!

«مرگ بر جمهوری اسلامی»

شعار مرکزی شرایط انقلابی

تحولات دو روز اخیر در جامعه بسیار تعیین کننده بود و هر تردیدی نسبت به سمت و سوی جنبش مردمی را بر طرف ساخت. جنبش مردمی ضد کودتاچیان، در آغاز با خواسته ی ابطال انتخابات آغاز شد، اما به سرعت محتوای ضد دیکتاتوری یافت و سراسری گشت. در یک هفته اول، اصلاح طلبان حکومتی و حامیان امپریالیست شان، از طریق تبلیغات وسیع اینترنتی و ماهواره ای، سعی کردند اینگونه به مردم القا نمایند که گویا با حفظ اعتراضاتشان در حدود «انقلابات مخملی»، با سکوت و نوارهای سبز رنگ می توانند به آزادی برسند، اما، با سخنرانی خامنه ای در نماز جمعه و اعتراف به این واقعیت که حکومت دیگر نمی تواند بدون سرکوب مسلحانه، جنبش مردم را مهار و جامعه را کنترل کند، و پاسخ مردم که ایشان هم دیگر نمی توانند این حکومت را تحمل کنند، به سرعت بساط این دروغ را جمع کرد. در درگیری های امروز مردم با نیروهای مسلح دیکتاتوری حکومت اسلامی، بار دیگر این واقعیت برجسته شد که همواره، دیکتاتوری حکومت سرمایه است که رنگ و بوی خون را به انقلاب تحمیل کرده و همواره ایشانند که با درنده خویی و وحشیگری در مقابل اراده ی مردم مقاومت می کنند.

اینک موضوع مهم این است که بینیم خواسته ها و اراده ی واقعی مردم چیست؟ آیا آنطور که جناح مغلوب سرمایه داری می خواهد نشان دهد، صرفاً خواست مردم ما به ابطال و تجدید انتخابات محدود می شود؟ آیا اینک که هزینه های خونین انقلاب به مردم تحمیل شده و ده ها خانوار در سراسر ایران داغ دیده گشته و کشته داده اند، خواسته های ایشان هنوز هم با ریاست جمهوری موسوی ارضاء می گردد؟ مسلم است که جناح مغلوب سرمایه داران سعی خواهند کرد دوباره روحیه ی انقلابی مردم را مهار کرده و مبارزات ایشان را به کانال ها و جهات مورد علاقه و منافع شان برگرداند و در این راه از حمایت های مادی و معنوی سرمایه جهانی و قدرت تبلیغاتی لایزالش استفاده خواهند برد. اما مردم خود می دانند که اگر به سمت انتخابات فرمایشی روی آوردند و تلاش کردند تا از اختلافات این جناح ها استفاده کنند، برای آن بوده است که برای به دست آوردن حداقل خواسته هایشان هزینه های خونین یک انقلاب را ندهند. اما اینک که دیگر کار از کار گذشته است و ما وارد یک دوران انقلابی گشته ایم و در حال دادن هزینه های هشتمین، دلیلی ندارد که خواسته هایمان را محدود کرده و آنها را مسکوت گذاریم.

اینک ما خواسته هایمان را با نیروی انقلاب مردمی به تمامی جناح های سرمایه داری تحمیل می کنیم. خواسته های ما اینک سرنگونی و برچیدن کامل بساط قدرت جمهوری اسلامی و ساختار ارتجاعی آن و تعیین آزادانه ی حق سرنوشت خویش است. خواسته های دمکراتیک آزادی تشکل و حزب، آزادی قلم و بیان، آزادی اجتماعات و اعتراضات، آزادی مطبوعات و ارتباطات و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و ... دیگر خواسته ی میان مدت و درازمدت نبوده، بلکه خواسته های فوری ما را تشکیل می دهد. اینک کارگران ما خواهان تشکیل فوری شوراهای محل مشغله (کارخانه و ...) و مسکونی شان می باشند تا بتوانند مستقیماً در محیط کار و زندگی شان دخالت کرده و تأثیر گذار باشند و جهت تولید را به سمت نیاز جامعه و نه سودآوری سرمایه داران بچرخانند. خواسته های زنان ما الغاء فوری تمامی قوانین تبعیض آمیز در جامعه و محل کار و تضمین کامل حق آزادی پوشاک و حقوق دیگرشان است. مذاهب و قومیت های ما خواهان فوری آزادی زندگی، کار و آموزش بنابر فرهنگ و سنن شان می باشند. در یک کلام، حال که این قدرت و اراده ی مردم است که در تقابلی انقلابی به نیروهای ارتجاعی و سرکوبگر تحمیل می شود، پس نتیجه ی این مبارزات نیز باید رسیدن به خواسته هایشان باشد. نه آنکه دوباره جناح دیگری بر سر کار آید و با بهانه ی امکان نداشتن رسیدن فوری به این خواسته ها، باز هم ما را گرفتار همان شرایط قدیمی و قول های بی اساس «پیشرفت گام به گام» کند.

حال که امروز، حکومت ارتجاعی اسلامی، انقلاب را به ما تحمیل کرده است، ما نیز تا سرنگونی کامل و قطعی آن از پا ننشسته و خواسته های خود را نه تنها به خامنه ای و احمدی نژاد و شورای نگهبان و خبرگان و دادگاه انقلاب و سپاه و بسیج و ... بلکه به تمامی جناح های سرمایه داری تحمیل خواهیم کرد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

برقرار باد حکومت شوراهای